



سال تحصیلی

۱۳۹۹-۱۴۰۰

آزادی انسان و لزوم اطاعت از خداوند

✿ بیان مسئله

آزادی در افکار مختلف دارای معانی مختلفی می باشد و یک توصیف از احوالات نفسانی و روحانی انسان می باشد، که در مکتبخانه اسلام و به خصوص در مذهب شیعه، آزادی انسان همان اختیار انسان شناخته می شود که معنا بخش به اشرف مخلوقات و خلیفه خداوند بودن در زمین، برای انسان است ولی به طور مثال در مذاهب و مکاتبی دیگر آزادی انسان را طور دیگری معنی کرده اند، و هر انسان به دلیل فطرت نامحدودی که دارد به دنبال آزادی بی نهایت در همه عرصه های زندگی است که اگر پاسخ نادرست و نسنجیده ای به این نیاز انسان داده شود موجب تباهی هدف های اصلی خلقت انسان، از بین رفتن حقوق دیگران و عدل و قسط می شود، پس باید به دنبال برنامه ای باشیم که در عین آزاد بودن، موجب کم ارزش شدن صفات برتر انسانی نشود، چون آزادی کامل برای جنگل و حیواناتی که در آن زندگی می کنند، می باشد، نه برای انسان ها باتوجه به فطرتی که دارند و مکانی که در آن زندگی می کنند، البته که میل به آزادی کامل برخواسته از ذات انسان است.

صفاتمانند هلوع، جزوع، منوع، قنور، ظلوم، جهول، عجول، همه مربوط به طبع انسان است نه فطرت او. درباره فطرت وی قرآن می فرماید: « أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ » روم ۳۰ یا « وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا » اسراء ۷۰ و همه اینها، ستایش از انسان و فطرت توحیدی اوست، پس می شود نتیجه گرفت که آزادی انسان در راستای اطاعت از خداوند فطری است ولی آزادی در راستایی دیگر، ذاتی است.

در رابطه با اطاعت از خداوند نیز باید این را در نظر داشت که بشر از ابتدای خلقت خویش تاکنون به دنبال پرستش و اطاعت از معبود و خالق خویش بوده، زیرا در فطرت او دست یابی به هدف اصلی خلقتش (بندگی خالصانه خداوند) نهادینه شده است، ولی در بعضی از اوقات اشتباه گرفتن صفات و ویژگی های معبود واقعی (بی نیاز بودن، مخلوق نبودن، محدود نبودن و...)، موجب اخلال در شناسایی خداوند متعال توسط انسان شده است، که دلیل انحراف در سطوح مختلف بندگی و عبات است.

آزادی انسان و اطاعت از خداوند دو موضوع کاملاً جدایی ناپذیر هستند که جوامع غیر دینی و غربی با استفاده از مفاهیم غلط و گمراه کننده آزادی، به دنبال از هم گسیختن این رابطه و فاصله دادن میان بندگی خدا و آزادی هستند. در این گونه مجامع با قرار دادن آزادی در بیان، آزادی در رفتار و اندیشه به دنبال کمرنگ کردن آزادی انسان در پذیرش ذات حق به عنوان معبود و هدف اصلی هستند، پس باید به دنبال دلایل و روش هایی بود که از این گونه انحرافات فاصله گرفت.

اگر بخواهیم آزادی انسان را در زمینه اطاعت از خداوند بررسی کنیم باید ابتدا بدانیم که آزادی از نظر ذات حق الهی چیست و چگونه می شود از آن در پیش برد و دست یابی به اهداف برتر انسانی استفاده کرد. باید ابتدا معانی آن دو را به صورت کامل درک نمود و سپس پی به رابطه ناگسستگی این دو در عرصه های مختلف زندگی انسان برد.

انسان های فکور در لحظات مختلف زندگی به دنبال دستیابی به روش ها و برنامه هایی هستند که در عین آزاد بودن ، خداوند را نیز پرستش و اطاعت کنند اما از خط قرمز ها و مرزهای بندگی عبور نکنند.

❁ اهمیت و ضرورت تحقیق

اگر انسان مختار و آزاد نبود ، فرستادن این همه آیات و نشانه و پیامبر برای هدایت او چه دلیلی دارد؟ پروردگار گرانبقدر از همان ابتدا می توانست همه را مؤمن و رستگار خلق کند . پس باید دلیل امتناع کوه و آسمان و جنگل و ... را از پذیرفتن کاملاً آزادانه عشق به اطاعت از خداوند توسط انسان را فهمید ، که چرا خداوند انسان را تا به این حد آزاد و مختار کرده است . باید درک کرد که عاشق به صورت کاملاً آزادانه معشوق خویش را دوست می دارد و اطاعت می کند.

آزادی کامل انسان به معنی طغیان تمامی امیال درست و نادرست انسان می شود زیرا فطرت انسان بی نهایت طلب است و دادن آزادی کامل به او به معنای دادن حق تصرف در تمامی امور به اوست ، که این کار موجب ضایع شدن حقوق دیگر انسان ها با توجه به رفتار ها و گفتار های برگرفته از آزادی نامتعارفی که به انسان داده شده است و دور شدن از هدف اصلی آفرینش که اطاعت از خداوند یکتا است ، می شود و به این صورت عدل و قسط از بین می رود و تمامی وعده های الهی مبنی بر قیامت و روز حسابرسی و وجود مکانی برای پاداشت به نیکوکاران و جزای همه عصیانگران ، بی معنی می شوند، از این رو، هیچ قانونی در جهان وجود ندارد چه قانون شرقی و چه قانون غربی، چه قانون کشورهای مترقی و چه قانون کشورهای جهان سوم، چه قانون الحادی و چه غیرالحادی مگر آنکه برای انسان محدودیت هایی قرار داده و آزادی او را مقید نموده و برای تخلف و تعدی او مجازاتی مقرر نموده است. ندانستن رابطه میان آزادی و اطاعت از پروردگار و روش صحیح برقراری ارتباط میان این دو موجب می شود انسان به رشد و کمال نرسد و مراتب رستگاری را طی نکند.

❁ اهداف تحقیق

اصلی

مشخص نمودن محدوده های آزادی به صورتی که بندگی و اطاعت از خداوند نیز کمرنگ ناپیدا نباشد.

فرعی

۱. درک مفهوم درست آزادی از نظر قرآن و مذهب اسلامی
۲. درک چگونگی اطاعت و بندگی خداوند یکتا
۳. رابطه میان آزادی انسان و لزوم بندگی خداوند
۴. انحرافات در اطاعت از پروردگار یکتا و آزادی انسان

❁ پیشینه موضوع تحقیق

ابتدا در قرآن کریم به نبال پیشینه می گردی که معتبر ترین و کامل ترین منبع قابل اعتماد در دسترس بشر از ۱۴۰۰ سال پیش تا کنون می باشد .

پیش تر در مورد دسته بندی آیات قرآن کریم در مورد آزادی انسان متوجه شدیم که سه دسته هستند:

به عنوان نمونه از دسته اول ، خداوند در قرآن با بیان : «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ در دین، هیچ اکراه و اجباری نیست. مسلماً راه هدایت از گمراهی روشن و آشکار شده است. پس هر که به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان بیاورد، بی تردید به محکم‌ترین دستگیره که آن را گسستن نیست، چنگ زده است؛ و خدا شنوا و داناست» ۲۵۶ بقره

تمامی راه ها را برای فرار از آزادی انسان بسته است و مختار بودن انسان را با دادن مسئولیت انتخاب دین الهی به او ، اثبات کرده است. بسیار جالب است که پس از اثبات آزادی انسان، اطاعت از خداوند نیز در ادامه آیه ، کامل کننده و تجلی بخش به معنی درست آزادی انسان در سایه لزوم بندگی پروردگار یکتا است. این جاست که «لا جبر و لا تفویض بل امر بین الامرین» کاملاً زیبا خود نمایی می کند.

اگر بخواهیم برای دسته دوم نیز مثالی بیاوریم چه آیه ای بهتر از « فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَانَمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ؛ پس هر که را خدا هدایت او خواهد قلبش را برای پذیرش اسلام باز و روشن گرداند و هر که را خواهد گمراه نماید (به حال گمراهی واگذارد) دل او را از پذیرفتن ایمان تنگ و سخت گرداند که گویی می‌خواهد از زمین بر فراز آسمان رود. این چنین خدا آنان را که به حق نمی‌گروند مردود و پلید می‌گرداند.» انعام ۱۲۵

در این آیه انسان را در پذیرفتن ایمان به خدا و دین اسلام کاملاً دارای اراد و اختیار قرار داده است و الهی در ادامه می فرماید که خداوند هر دلی را که بخواهد به نور و روشنایی هدایت می کند و هر دلی را که بخواهد به ظلام و تاریکی می کشاند. پس در ابتدا آزادی انسان را اثبات می کند ولی بیان می دارد که این آزادی دنباله مشیت الهی است. باید دقت داشت که در این آیه نیز آزادی انسان ، اطاعت و پرستش خداوند یکتا معنی شده است ، به گونه ای که اگر دین اسلام را بپذیرد آزاد است تا جایی که می تواند بندگی کند و مراتب کمال را طی کند، ولی اگر در بپذیرش ذات حق شک کند ، مجبور به پذیرش تاریکی ها و وادی های گمراهی و تنهایی است. (از دیگر آیات قرآن کریم برداشت می شود که حتی مال و فرزندان و همسران و... عواملی هستند که در صورت دوست داشته شدن توسط انسان به اندازه خداوند و حتی گاهی اوقات بیشتر از او ، باعث گمراهی و بی ارزش شدن او می شوند.)

در بیان دسته سوم « نَمَّا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ »؛ فرمان نافذ او چون اراده خلقت چیزی کند به محض اینکه گوید: «موجود باش» بلا فاصله موجود خواهد شد. « یس ۸۲

در این آیه فقط اراده و مشیت الهی است که نمایان می شود و جایی برای اراده انسان وجود ندارد زیرا انسان محدود است و نمی تواند در کنای یا حتی مقابل ذات مقدس الهی بایستد، البته که این آیه ذاتا نفی کننده اراده انسان نیست زیرا اراده انسان نیز در طول اراده انسان است و اگر این آیه به صورت سطحی و ناآگاهانه معنی و به کار برده شود سبب گمراهی انسان از راه درست زندگی می شود.

در طول تاریخ از دیرباز تاکنون، درباره نسبت طرفداران خدا و آزادی، آراء متفاوت و گاه متضادی دیده شده است.

افرادی همانند فیلسوفان و صاحب نظران زیادی بوده اند که این دو را بشدت ناسازگار می دانستند ولی در مقابل افرادی نیز بودند که این دو را نه تنها جدا و ناسازگار نمی دانستند بلکه معنای درست آزادی حقیقی را در عین خداپرستی و لزوم پایبندی به آن می دانستند.

دسته اول که این دو را متضاد یکدیگر می دانستند دارای دوگروه هستند: گروهی که خدا و اطاعت از پروردگار را قبول داشتند و آزادی را رها می کردند؛ مانند کاتولیک های مسیحی که حق ازدواج کردن و... نداشتند و فقط باید عبادت می کردند.

در میان نمایندگان گروه اول در دین اسلام به " قاطبه متکلمان اشعری " اشاره کرد و در مسیحیت به مالبرانش (۱۷۱۵-۱۶۳۸) فیلسوف فرانسوی، افرادی بودند که اعتقاد به مختار بودن انسان در عین اعتقاد به خداوی که قدرت مطلق و عالم بر همه چیز باشد ناممکن است.

آنان با متوسل شدن به روش « لامؤثر فی الوجود الا لله » آزاد بودن انسان را هم چون تأثیر ایجا و انجام هر گونه فعل را از همه موجودات رد می کردند و به آن اعتقادی نداشتند و به این طریق آزادی و اختیار وی را سلب می کردند، به دین گونه که اشعری معتقد بود انسان افعال خود را " کسب " می کند، و مفهوم کسب کردن در سخنان اشعری بسیار مبهم و پیچیده است.

اشاعره (مریدان اشعری) در حقیقت آنقدر به خداوند معتقد بودند که همه جهان خلقت را از علیت و خاصیت و طبیعت نفی می کردند و انسان را نیز از آزادی بی بهره می کردن تا خداوند را ثابت کنند.

گروه دوم کسانی بودند که از میان خداوند و آزادی، آزاد بودن و بی قید و شرط بودن را برگزیدند همچون غربی های و اعتقاداتشان.

از نمایندگان گروه دوم می توان به «نیچه» (۱۸۴۴-۱۹۰۰) و ژان پل ساتر (۱۹۰۵-۱۹۸۰) اشاره کرد.

نیچه به انسان و زندگی و تمایلات او اصالت می دهد. در عقاید او کمال مطلوب انسان آن است که خود ارزش گذار باشد یعنی خودش از خودش رازی باشد و از زندگی خود به هر نحوی لذت ببرد نه آنکه از ارزش های وضع شده دیگران اطاعت کند او اطاعت از خدا را با میل به رهایی

و آزادی و نیرومندی مغایر می‌داند و معتقد است که خدا، به ویژه خدای مسیحیت، شور و شوق و نشاط را در انسان می‌میراند و شعله سرکش زندگی را که زنده بودن آن در سرکش بودن آن است خاموش می‌کند. به عقیده او تصور خدا دشمن زندگی است و «مفهوم خدا تاکنون بزرگترین دشمن زندگی بوده است»

وی، چنانکه کاپلستون می‌گوید معتقد است:

«نیرومندی و آزادی عقلی و استقلال انسان، و دلبستگی به آینده او خدا ناباوری می‌طلبد. ایمان نشانه ناتوانی، ترس، تباهی و نگاهی نفی‌کننده برای زندگی است.»

چنانکه اشاره کردیم متفکر دیگری که خدا و آزادی را متفاوت و متضاد می‌دانند فیلسوف اگزیستانسیالیست معاصر فرانسه، ژان پل سارتر است. سارتر برای انسان قائل به ذات و ماهیت و طبیعتی از پیش ساخته شده و تعیین یافته نیست. در نظر او هستی انسان بر ذات او تقدم دارد و انسان، سازنده خویشتن است. در فلسفه او، آنچه در انسان تام و تمام و نامتناهی و مطلق است، این آزادی و اختیار منشأ مسئولیت است و التزام و ترس آگاهی و دلهره دائمی ایجاد می‌کند.

اما این آزادی با فرض وجود خدا و اطاعت از او سازگار نیست، زیرا انسان خداپرست مجبور است از ارزشهایی تبعیت کند که اعتبار آنها به حکم خدا حاصل شده نه به آزادی و اراده انسان، و این با آزادی او منافات دارد. چنانکه موريس کرنستن در کتاب ژان پل ساتر خود می‌نویسد:

«قول به آزادی انسان مستلزم این است... که افراد بشر ملعبه خدایان یا هر قوه دیگری ماسوای خود نیستند بلکه آزادی مطلق دارند و رها و مستقل و غیرمتعلق و غیرمرتبطند و خلاصه به حال خویشند. آینده به صورت باز و غیر مسدود است. اگر خدایی بود که همه چیز را مقدر می‌کرد یا حتی همه چیز را می‌دانست، آینده به ضرورت چنان می‌بود که خدا در علم قبلی خویش می‌دید. از این رو نفی خالق که علیم تدبیر و شرط عقلی و منطقی حریت کامل انسان است»

دسته دوم خود نیز شامل دو گروه می‌شوند: گروه اول که اطاعت از خداوند متعال (الله) را با آزادی هم راستا می‌دانستند ولی گروه دوم کسانی بودند که بجای بندگی پروردگار حکیم، موجودات یا اشیاء دیگری را مورد پرستش قرار می‌دادند و به آزادی نیز در کنار این بندگی معتقد بودند.

از نمایندگان گروه اول می‌توان به حضرت علی (ع) و همسر گرامی ایشان، فاطمه الزهرا (ص) اشاره نمود که در عین آزادی و حریت کامل در مقابل فشارهای جوامع آن دوران و محدودیت‌های حکومتی، به صورت کاملاً شایسته و بی‌نقص به بندگی ایزد یکتا پرداخته‌اند.

برای گروه دوم نیز می‌توان به انتان زندر لاوی (۱۹۹۷-۱۹۳۰) موسیقی دان امریکایی که رهبری شیطان پرستان امریکایی را بر عهده داشت، به جای پرستش خداوند، حلقه بندگی شیطان را به گردن خویش آویخته بود و در همان حال به آزادی انسان‌ها نیز معتقد بود.

البته باید توجه کرد که میان مفهوم آزادی در هر گروه و هر دسته تفاوت‌های بسیار بزرگی وجود دارد که هرکدام با دلایل خود یا از آن دفاع می‌کنند و آن را در کنار پرستش معبود خویش قبول دارند و یا آن را رد می‌کنند و یا جدای از پرستش معبود خود می‌دانند.

❁ سؤال های تحقیق

اصلی

چه کسی رابطه میان آزادی انسان و لزوم اطاعت از خداوند را به درستی بیان کرده است؟

فرعی

آیا آزادی انسان در تضاد با اطاعت از خداوند است؟

معنی و مفهوم آزاد از نظر مفسران متفاوت چیست؟

چه کسانی در مورد آزادی درست تصمیم گرفته اند؟

آیا می شود که انسانی خدا را اطاعت کند ولی آزاد نباشد؟ یا بلعکس؟

آیات قرآن در مورد آزادی چند دسته هستند؟

چگونه و با استناد به کدام منبع می توان رابطه میان آزادی انسان و اطاعت از خداوند را برقرار نمود؟

چه کسانی به آزادی اعتقاد دارند و چه کسانی ندارند؟

افراد در برخورد با مقوله آزادی و اطاعت از خداوند به چند دسته تقسیم می شوند؟

❁ فرضیه تحقیق

فرضیه اصلی

به نظر می رسد که خداوند با دادن نشانه ها و آیات مختلف خواسته است که انسان هدف اصلی آفرینش که همان بندگی خداوند یکتا است را با اراده و اختیار خویش برگزیند و آزادی خود از طاغوت به دور باشد و حق بندگی را بجای آورد.

فرضیه فرعی

به نظر می رسد که حتی در اسلام هم کسانی بوده اند که معنی آزادی را درست و کامل متوجه نشده اند.

به نظر می رسد که در مذاهب و افکار مختلف آزادی معنایی متفاوت دارد که این معنا در جای درست خود و نه در همه موضوعات می تواند تا به حدی درست باشد.

به نظر می رسد که انسان ها با تفاسیر متفاوت از آزادی و بندگی ، در حال دست یابی به معنای درست آنان پس از متوجه شدن معنی کامل و درست این دو توسط قرآن کریم هستند.

✿ روش تحقیق

روش این تحقیق به صورت کتابخانه ای و اینترنتی است که داده های آن با روش توصیفی- تحلیلی به بررسی آیات و مفاهیم مربوط به آزادی انسان و لزوم اطاعت از خداوند می پردازد.

✿ مفاهیم و متغیر ها

مفاهیم : آزادی ، اراده و اختیار ، بندگی و اطاعت از خداوند ، جبر و اجبار ، شاخص ، برقراری ارتباط

متغیر مستقل : اطاعت و بندگی خداوند

متغیر وابسته : آزادی

✿ ساختار تحقیق

این تحقیق در چهار فصل تدوین شده است:

فصل اول به بررسی موضوع به صورت جامع و بصورت خلاصه به بررسی مفهوم آزادی در کنار بندگی خداوند می پردازد: گفتار اول و گفتار چهارم

فصل دوم به بررسی ارتباط میان بندگی و آزادی انسان را از نظر ها و دیدگاه های مختلف بررسی می کند : گفتار اول و چهارم

فصل سوم به بررسی اهمیت آزادی و بندگی خداوند می پردازد : گفتار سوم

فصل چهارم به بررسی آزادی و اطاعت از خداوند از نظر قرآن پرداخته است : گفتار چهارم

✿ منابع

۱. قرآن کریم
۲. ربک: سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی (تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۷) ج ۲۰، ص ۳۰۲ و ۳۸۲ و ۵۳۴
۳. سیدمحمدحسین طباطبایی، پیشین (چاپ ۱۳۷۶) ج ۳، ص ۲۴۷ و ج ۱۱، ص ۵۴۲ و ج ۱۲، ص ۲۲ و ۲۳ و ۵۱۳ و ۵۱۴ و ج
۴. ابی علی فضل بن حسن طبرسی، پیشین، ج ۵، ص ۴۴۶ و ۴۴۷
۵. ربک: سید محمد حسین طباطبایی، پیشین، ج ۸، ص ۴۹۰ و ۴۵۱
۶. سیدمحمد حسین طباطبایی، پیشین، ج ۱۶، ص ۵۴۵
۷. محمدرشید رضا، تفسیر المنار (بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۹۳ ق) ج ۵، ص ۲۸۰ و ۲۸
۸. ابی علی فضل بن حسن طبرسی، پیشین، جزء ۹، ص ۵۴

۹. فخر رازی، تفسیر الکبیر (بیروت: دار احیاء التراث العربی) جزء ۱۳، ص ۲۴ و جزء ۷۰ و ۱۰، ص ۱۸۳ ۱۸۴
۱۰. محمد حسین طباطبایی، پیشین، ج ۱۸، ص ۱۰۷
۱۱. اندیشه های مالبرانش
۱۲. آراء اشاعره
۱۳. خدامحوری « کاکائی، قاسم خدا محوری (اکازیونالیزم) در تفکر اسلامی و فلسفه مالبرانش، با مقدمه غلامعلی حداد عادل، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۷
۱۴. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، از فیثته تا نیچه، جلد هفتم، ترجمه داریوش آشوری، انتشارات علمی فرهنگی و انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۷، ص ۳۹
۱۵. آراء ژان پل سارتر
۱۶. ورنو، روژه و وال، ژان و دیگران، «نگاهی به پدیدار شناسی و فلسفه های هست بودن» برگرفته و ترجمه یحیی مهدوی، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۷۲، فصل ۱۱ صص ۲۵۷-۲۸۳
۱۷. کرنستن موریس، «ژان پل ساتر» ترجمه منوچهر بزرگمهر، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۴۹، ص ۶۶
۱۸. ویکی پدیا دانشنامه آزاد
۱۹. سایت ویکی فقه
۲۰. سایت مرکز مدیریت حوضه های علمی خواهران